



## نظم آتی جهان وابسته به موفقیت چین یا آمریکا در مقابله با کروناست

پروفسور «لری بیکر» معتقد است نظم آتی جهانی در عرصه بین‌المللی به موفقیت آمریکا یا چین در مقابله با ویروس کرونا و آثار مترتب ناشی از آن بستگی دارد.

پروفسور «لری بیکر» معتقد است نظم آتی جهانی در عرصه بین‌المللی به موفقیت آمریکا یا چین در مقابله با ویروس کرونا و آثار مترتب ناشی از آن بستگی دارد.

خبرگزاری مهر - گروه بین‌الملل &ndash; پیمان یزدانی: کرونا از سویی باعث شده تا گرایش‌های ناسیونالیستی و مرزهای ملی اهمیت ویژه‌تری بیابد و خودیاری (self-help) از مبانی و اصول اساسی رئالیسم است. مورد توجه کشورهای قرار گیرد، این خودیاری را در عدم همکاری مؤثر برخی کشورها با یکدیگر در مقوله کمک‌های پزشکی و &hellip; شاهد هستیم.

اگرچه کرونا باعث شده تا رویکرد رئالیستی و اصل خودیاری (self-help) مورد توجه کشورهای قرار گیرد اما از سوی دیگر باعث شده تا ناکارآمدی رویکرد رئالیسم به امنیت که مبتنی بر «امنیت دولتی» (state security) است و اولویت را به «امنیت نخبگان حاکم» می‌دهد و موضوع امنیت را صرفاً نظامی می‌بیند، مشخص شود. از سویی شیوع این ویروس نشان داد اقتصادهای میلیتاریستی هم تأمین‌کننده امنیت عموم مردم نیست و دولت‌ها باید در جهان پساکروناپی به مقوله «امنیت انسانی» (human security) توجه بیشتر نشان دهند و همپوشانی «امنیت دولتی» با «امنیت انسانی» بیشتر از قبل باشد تا بتوانند بقا داشته باشند.

خبرنگار مهر در خصوص این موضوع گفتگویی با پروفسور «لری بی‌کر» استاد حقوق و امور بین‌الملل دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا در آمریکا انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

لری بی‌کر عضو موسسه حقوق آمریکایی و عضو انجمن مطالعات حقوقی اروپایی چین، موسسه حکومت شرکت‌های اروپایی می‌باشد و در دانشگاه‌های مختلف اروپا و آمریکا به تدریس سیاست و حقوق اساسی، شرکت‌ها و اتباع خارجی مبادرت می‌ورزد.

وی همچنین بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ ریاست دانشکده سنای دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا را عهده‌دار بوده است. لری بی‌کر همچنین کتاب‌ها و مقالات متعددی را در خصوص جهانی شدن منتشر کرده است.

### \*ویروس کرونا چه تأثیراتی بر نظم فعلی جهان خواهد گذاشت؟

ابتدا این موضوع اهمیت دارد که تأکید کنیم ویروس کرونا تأثیراتی بر نظم فعلی جهان خواهد گذاشت. این یک فرضیه مهم است زیرا لزوماً در شروع یک بیماری همه‌گیر چیزی قابل پیش‌بینی نخواهد بود. بنابراین، برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید پاسخ به سؤال دیگری داده شود که آیا عناصر مؤثر برای حفظ نظم جهانی که بیماری همه‌گیر ویروس کرونا بر روی آنها اثر خواهد گذاشت مشخص شده‌اند؟ پاسخ این سؤال، از اواسط آوریل ۲۰۲۰ روشن شده است. بیماری همه‌گیر ویروس کرونا باید تأثیراتی را در نظم جهانی ایجاد کند. در اواخر سال ۲۰۱۹ این موضوع مشخص شد که نظم جهانی آماده تغییر است. در واقع، ویروس کرونا اثراتی در نظم جهانی خواهد گذاشت، دقیقاً به این دلیل که کسانی که در مقام قدرت برای شکل دادن به روایاتی که بر اساس آنها جامعه متوجه موضوعاتی می‌شود، آن مفاهیم را به بیماری همه‌گیر نسبت داده‌اند. آیا با این قدرت تغییر، سرمایه‌گذاری در زمینه همه‌گیری لازم بود؟ نه! اما آیا این موضوع دیگر اهمیت دارد؟ مطمئناً نه!

ثانیاً، با تصمیم برای سرمایه‌گذاری در همه‌گیری جای با این اهمیت که لزوماً بر نظم جهانی تأثیرگذار خواهند بود، سؤال اصلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این سؤال در رابطه با تغییر در نظم جهانی فعلی که ممکن است ظهور کند، پیش می‌آید. تأثیرات و جهت این بیماری همه‌گیر را نمی‌توان به عنوان یک موضوع طبیعی در نظر گرفت به عبارت دیگر یک ارتباط ارگانیک بین وجود این بیماری همه‌گیر و جهت‌گیری‌های تغییر ناشی از آن وجود دارد. عکس این قضیه درست است. تغییرات ایجاد شده در نظم جهانی ناشی از بیماری همه‌گیر، منعکس‌کننده کاربرد ایدئولوژی‌های رقیب است که از طریق آنها، قدرت‌های بزرگ دنیا را می‌بینند.

بیماری همه گیر و مبارزه علیه آن در دولت های مانند چین، اثبات کننده توانمندی و قدرت مدل سیاسی-اقتصادی این کشور برای مقابله و غلبه بر چالش ویروس کرونا می باشد. این توجیه در عوض موجب می شود که احتمال ظهور یک سیستم بین المللی کمونیستی جدید پیرامون اصول سیستم مارکسیستی لنینیستی چین، برای اولین بار در کشورهای در حال توسعه شرکت کننده در طرح کمربند و جاده، و پس از آن در کشورهای دیگر افزایش یابد. نتیجه آن، در بهترین حالت، ظهور یک رویکرد جدید برای نظم بین المللی است که مبتنی بر چشم انداز چین با کاربرد فراملی است.

در مورد کشورهای دموکراتیک لیبرال نیز همین موضوع صادق است. در اینجا همه گیری نیز یک آزمون می باشد که از طریق آن اصول اساسی نظم اقتصادی سیاسی مورد آزمایش و اصلاح قرار می گیرند و از آن آزمایش قوی تر ظاهر می شوند. در این موارد، احتمالاً دو تغییر وجود دارد که منعکس کننده شکاف های باستانی بین جهان قدیمی روم (اتحادیه اروپا) و مرزهای شمالی آن است که اکنون تحت رهبری ایالات متحده به عنوان کامل ترین نیروی پیشتاز خود است. در جایی که سیستم چین بر تمرکز، برنامه ریزی و برتری بخش سیاسی تأکید می کند، نسخه های لیبرال دموکراتیک بر عدم تمرکز، بازارها (قدرت خصوصی) و برتری بخش های اقتصادی و اجتماعی تأکید می کنند.

بنابراین، اثرات ویروس کرونا به معنای انقلابی در رها کردن سیستم های قدیمی نخواهد بود. در عوض، تمایلاتی را که قبلاً به خوبی بررسی شده بودند را تسریع می کند. همچنین تمایل به تمایز و انتخاب بیشتر به جای همگرایی، اصلاح خواهد شد. اما باز هم، این ایدئولوژی های غالب، همه گیری را با یک نشانه بسیار خاص سرمایه گذاری کردند: این یک آزمایش بود (که می توان آن را با اصطلاحات علمی مذهبی یا سکولار توجیه کرد). این آزمون برای اثبات ارزش سیستم آزمایش شده بود. همچنین این آزمون به معنای کوره ای بود که در آن می توان نقاط ضعف آن سیستم ها را از بین برد و تنها هسته ای محکم از آن سیستم که می تواند تغییر کند و دوباره احیا شود، باقی می ماند. اما به روش هایی تغییر یافته است که بیش از حد بر بعضی از اصول سازماندهی آن تأکید می کند (که در بالا توضیح داده شد) و بقیه را از بین می برد.

در همین زمینه است که می توان اثرات جهانی سازی را در نظر گرفت. بسیاری از اعضای بخش روشنفکر که برای زندگی می توانند تجزیه و تحلیل کنند و همچنین بخش های برنامه ریزی ارگان های دولتی، اکنون با آنچه که ممکن است آن را به عنوان ظهور دوباره دولت تفسیر کنند، وسواس گرفته اند. چگونگی کنترل کردن دولت ها در زمان احیای مجدد مرزها در نظر بگیرید. مرزها همیشه یکی از عناصر اصلی جهانی سازی اقتصادی بوده اند. تولید جهانی، که بر مبنای سازماندهی بخش ها می باشد نیاز به نظارت و محافظت از آن بخش ها دارد.

جهانی سازی اقتصادی به شکل های امروزی خود وجود نداشت اگر این بخش ها که از آنها برای تفکیک و مهار خطر استفاده می شد محافظت نمی شدند. سپس کشورها از طریق نظم جهانی قصد داشتند مانند محفظه های ضد آب در کشتی قرن بیستم کار کنند. با توجه به کشور، خطر جهانی شدن این بود که بخش ها در صورت لزوم نمی توانند بسته شوند. این موضوع تا حدودی یکی از دلایلی بود که باعث شد مهاجرت به عنوان یک بحران در قرن بیست و یکم فوران کند. با توجه به این امر، حداقل کشور باید بیشتر شبیه بخش های تایتانیک باشد تا واحدهای کاملاً قابل مهار (به استثنای کره شمالی).

بنابراین نقش دولت ها باید به وضوح مشخص شود. همه گیری دقیقاً همان لحظه ای بود که کشورها را ملزم به استفاده از نیروی پلیس و مرزهای خود برای حمایت از تولید جهانی می کرد. اما در عین حال، از یک طرف همه گیری تفاوت بین دولت ها را به عنوان عامل حمایت از حرکت آزاد کالاها، سرمایه و سرمایه گذاری (حتی در مواردی که ممکن است بین سه امپراتوری بزرگ جهانی در حال ظهور تقسیم شود) و استفاده از دولت به عنوان متولی سرمایه انسانی مربوطه را واضح تر نشان داد.

اما مهمترین موضوع این است که این مسئله برای بازگرداندن نقش دولت به عنوان حافظ سرمایه انسانی استفاده خواهد شد و از طریق ابزارهای مربوطه مورد استفاده قرار می گیرند. این ابزارها که قبلاً به عنوان کشورها شناخته می شدند، اکنون به هدف مهم دیگری تحت عنوان مدیران میانی تولید جهانی خدمت می کنند. البته تأثیر دیگر بیماری همه گیر این خواهد بود که تمایز بیشتری در شخصیت آن نقش بین کشورهایایی که در نوک و پایین این مجموعه هستند قائل شود.

\*نظم فعلی جهان بیشتر مبتنی بر رویکردهای لیبرالیسم و تا حدودی رئالیسم است. نقایص رویکردهای گفته شده در مواجهه با ویروس کرونا چیست؟

در ساده ترین پاسخ، باید بگوییم که هر رویدادی مانند بیماری های همه گیر، نقاط ضعف و همچنین نقاط قوت سیستم های غالب نظم دهنده زندگی سیاسی-اقتصادی-اجتماعی را با توجه به سلسله مراتب تنظیم شده که در آن برخی از عناصر ممتاز هستند و برخی می توانند زنده بمانند نشان می دهد. این پاسخ در مورد همه سیستم ها اعمال می شود و فقط مربوط به سیستم های دموکراتیک لیبرال نیست. در واقع همه گیری، نقاط قوت و ضعف همه سیستم ها را در مقابله با استرس های ایجاد شده نشان می دهد.

با این وجود، باید با دقت بیشتری به این مسئله نگاه کنیم که استرس بیماری همه گیر ممکن است نقص سیستم های قدرتمند یا تاثیرگذار را نشان دهد. تا سال ۲۰۱۹، کلیشه ای در بین کلیه بخش های سیاسی و روشنفکرانی که مبنای اصولی را برای نتیجه گیری فراهم می کردند، وجود داشت مبنی بر اینکه نظم لیبرال دموکراتیک پس از ۱۹۴۵ و تجلی آن در دستورالعمل های قوانین معاصر و چارچوب بین المللی اصولی که قرار بود بر اساس آن پایه گذاری شود، یا از بین رفته و یا نیاز به اصلاح دارد.

البته نظریه پردازان مارکسیستی-لنینیستی، نظریه های نظم های سیاسی-اخلاقی به اصطلاح جهان سوم و نظریه پردازان توسعه گرا که در حاشیه آن بحث قرار دارند از این بحث داخلی سود می برند. در حالی که بسیاری این امر را به عنوان نشانه ضعف سیستم در نظر گرفتند، برای سایرین از جمله من، این امر حاکی از قدرت اساسی بود. این امر حاکی از آن بود که این سیستم هنوز کاملاً زنده بود به این معنا که هنوز هم عنصر اصلی نظم واقعیت است که به واسطه آن می توان سیستم های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی را نظم داد.

ظهور فوق العاده همه گیر در کمترین زمان ممکن باعث از بین بردن بخش بزرگی از حجاب هایی که در پشت این بحث ها و نبردها برای کنترل قلب سیستم در جریان بود شد. و برای آنهایی که در وسط نبرد هستند، این سیگنال و نشانه را فراهم می کند که آنها به دنبال کنترل هنجارهای سفارشی نظام، تفسیر را به عنوان اجازه تسریع در حرکت آنها انتخاب کنند. این بدین معناست که شخصی به خوبی ممکن است دیدگاه کاملاً واقعی، در مورد کمبودهای سیستم لیبرال دموکراتیک و همچنین شیوه ای که همه گیر در آن بهانه لازم را برای آشکار کردن آنچه که قبلاً در بالاترین سطوح رهبری آن سیستم به چالش کشیده شده فراهم کرده را درک کند.

اما این موضوع، نوعی از نواقص اساسی را که ممکن است سیستم را به خطر اندازد، نشان نمی دهد. در این شرایط، نواقص را باید در زمینه فهمید و آن زمینه را می توان به دو بخش تقسیم کرد. یک زمینه، نقایص نظم لیبرال دموکراتیک را از منظر نظم بخشیدن به اصول سیستم های سیاسی-اقتصادی-اخلاقی که اساساً با نظم لیبرال دموکراتیک ناسازگار هستند، بررسی می کند. برای این منظر، دقیقاً چیزی جز نقصان نمی تواند باشد زیرا ایجاد معنا با توجه به اساسی ترین موضوعات نظم اجتماعی، امکان پذیر نیست.

آنها به سادگی نمی توانند یک چیز را به همان شیوه مشاهده کنند. از این منظر درست است، همانطور که سوال نشان می دهد، این همه گیری همه شکست های مهم نظم دموکراتیک از قبیل تصرف سیاست های عمومی توسط نهادهای خصوصی، اثر فرسایش حاکمیت بازارها بر سیاست، ناکارآمدی ارگان های عمومی که در معرض چندین لایه مشاوره و شکاف اقتدار هستند، و فلج ذاتی در سیستم هایی که قدرت در آن به شدت نکه داشته شده و موفقیت اجرای آن به طور گسترده پراکنده است را نشان می دهد.

در مقابل با این تجزیه و تحلیل چشم انداز خارجی، یک دیدگاه داخلی ممکن است یک تحلیل متفاوت ارائه دهد. چشم انداز داخلی، نقایص نظم لیبرال دموکراتیک را که یکی از دو موضع تحلیلی متمایز است را بررسی می کند. اولین مورد با توجه به اصول بنیادی سازمانی آن نظم و در عوض بر نواقص اجرای آن متمرکز می شود. این نقایص ممکن است ناشی از خرابی سیستم باشد (به عنوان مثال، مؤسسات سیاسی باید اصلاح شوند تا اصل را به درستی منعکس کنند، یا قانون باید مطابق با استفاده صحیح از اصل و غیره اجرا شود). مورد دوم بر لزوم اصلاح یا توسعه بیشتر خود اصول نظم اساسی متمرکز است. در زمینه همه گیر، اینها ممکن است در تقسیم اختیارات بین سطوح مختلف دولت تا تقسیم اختیارات در یک نهاد سیاسی باشد.

در ایالات متحده این موضوع به مباحث درمورد نحوه جلوگیری از فدرالیسم آمریکا یا پیشبرد مبارزه با بیماری همه گیر تبدیل شده است. اما آنها ممکن است خودشان هم به اصل اصول توجه داشته باشند و این ممکن است یک فضای گفتمانی پیرامون فساد ایجاد کند (برای مثال، آیا دولت باید از مشاغل یا افراد شاغل حمایت کند؟ منابع پزشکی چگونه باید تقسیم بندی شوند؟ دولت یا بازیگران خصوصی تا چه میزان ممکن است رفتار شخصی در میان اجتماع ها را تحمیل

در حوزه بین الملل، این نواقص توسط مرزهای بین بخش های دولتی و خصوصی مشخص می شود که در سازماندهی تولید جهانی مشهود است. به عنوان مثال، لزوم تحمیل مسئولیت بر شرکت های چند ملیتی در مورد اثرات تصمیمات اقتصادی اتخاذ شده در نتیجه بیماری همه گیر که باعث صدمه شدید به اقتصادهای محلی در زنجیره تولید آنها می شود. این امر به ویژه در زمینه تولید پوشاک کاملاً مشهود است که در آن تصمیمات گرفته شده توسط شرکت های بزرگ چند ملیتی غربی ممکن است به شدت بر روی ماندگاری اقتصادهای دولت هایی مانند بنگلادش تأثیر بگذارد.

از این منظر، گزارش معمول در مورد برندگان و بازندگان از اهمیت بسیار واقعی محروم می ماند. این همه گیری هیچ برنده و بازنده ای ندارد. نکته بسیار جالب تر این است که روشنفکران و طبقات سیاسی که در آن خدمت می کنند، در پی ایجاد گفتمان پیرامون همه گیر بودند که اهمیت زیاد آن، شیوه تصمیم گیری یا تغییر مسیرهای جنگ برای رهبری جهانی است. این نوعی از مواد است که افکار عمومی را به منظور جنگ های تبلیغاتی که بخشی جدایی ناپذیر از رقابت بین سیستمی است، تغذیه می کند. آنها برای خشمی که با آنها دنبال می شوند و توانایی آنها برای تغییر درک مشترک مهم هستند. اما آنها ارتباط چندانی با حرکت واقعی تسلط تحت شرایط ندارند که در آن هیچ سیستمی پیروزمندانه ظاهر نشده است.

اگر همه گیری، همه چیز را به جهانیان نشان دهد، این است که تمام سیستم های تحت استرس باید با توجه به شکست های خود تغییر کنند و نیاز به بهره برداری از مناطقی دارند که هر کدام را به بهترین وجه نشان داده اند. از این رو، نبردهای کنترل روایت جهانی، رهبری و مانند آن ادامه خواهد یافت، حتی وقتی شخصیت مبارزان تغییر کند. اما این تغییرات، مجدداً با تأکید بر چشم انداز شروع، هیچ ارتباطی با خود ویروس ندارد. این همه ارتباطی با روشی دارد که مردم این اقدامات را با معنا سرمایه گذاری می کنند، و تا چه اندازه چنین معنایی را به طور گسترده ای پذیرفته است. هیچ جادویی در اینجا نیست. و هیچ پیشرفت ارگانیکی برای پیروزی یک یا دیگر جناح ها وجود ندارد. این همه استراتژی، کار، و نظم و انضباط است. با این وجود، مواردی را می توان در قوانین سیستم عامل مربوطه این بازیگران پیش برد.

\*اگر بپذیریم که نظم جهانی پسا کرونا، نسبت به نظم فعلی متفاوت می باشد آیا این تغییرات، ساختاری و اساسی خواهند بود؟ کدام مفاهیم تغییرات اساسی را تجربه خواهند کرد؟

اول، روابط بنیادی بین مؤسسات فردی و حاکم (دولت در سیستم های لنینی مارکسیستی؛ مؤسسات دولتی و خصوصی در دستوالعمل های لیبرال دموکراتیک؛ و نهادهای دولتی) به طرز عمیق و کاملاً قابل توجه تغییر خواهند کرد. در حالی که به احتمال زیاد گفتمان آزادی شخصی و استقلال فردی در کوتاه مدت تغییر نخواهد کرد، کاربرد این اصول دستخوش تغییر خواهد شد. طرح کلی این تغییرات از قبل آشکار است. اولین خوشه تغییرات حول قدرت نظارت است. نظارت برای پیکره بندی جامعه امری اساسی خواهد بود و درک حریم شخصی متناسب با نیاز تغییر خواهد کرد.

این بدان معنا نیست که گروه مخالفی وجود نخواهد داشت؛ قطعاً تضاد وجود خواهد داشت، بلکه این احتمال وجود دارد که اپوزیسیون فقط در حاشیه ها تأثیر داشته باشد. در یک کلام، این امر نباید برای هیچکس تعجب آور باشد. همه سیستم ها &ndash؛ برخی با شور و شوق &ndash؛ فرهنگ تطبیق پذیری و پاسخگویی در مورد تجارت و رفتار اقتصادی را پذیرفته اند. تنها یک قدم کوچک برای انتقال این فرهنگ، که اکنون بسیار در مورد مسئولیت پذیری راسخ است، وجود دارد. نظارت و ارائه گزارش همان چارچوبی هستند که مسئولیت پذیری حول محور آن قرار می گیرد.

این امر در جمع آوری داده &rdm؛ها و قضاوت از طریق تجزیه و تحلیل آن ها تجلی می یابد. این منطق ابتدا بر اساس حمایت از فرد خواهد پایه گذاشته می شود؛ و سپس در پی حمایت از جامعه و افرادی که رفتارشان (همیشه) تأثیرات فراوانی دارد بر می آید. مقاومت در برابر این مسیر همواره دشوار است و پافشاری علیه آن سایه بیماری های همه گیر سخت تر خواهد شد. اما نظارت فقط به معنای یک مشاهده صرف نخواهد بود. همانطور که گفته شد، این امر شامل مسئولیت پذیری و پیروی از سیستم های پاسخگویی نیز می شود.

توسعه این مدل از قبل در سیستم هایی نظیر روسیه به چشم می خورد کی طی آن افراد به صورت هدفمند ردیابی می شوند و سپس به دیگران هشدار داده می شود که ممکن است در معرض آنها باشند. مشاهدات حاکی از آن است که تایوان و کره جنوبی سیستم های اطلاعاتی خود را به منظور نظارت با اهداف خاص (بهداشت عمومی در این مورد) هماهنگ کرده اند. حتی در ایالات متحده، فعالیت های اخیر پلتفرم های بزرگ اینترنتی (به عنوان مثال گوگل) برای ردیابی مردم و استفاده از آن در خدمت نیروی پلیس در یک بحران، نشان می دهد که تا چه اندازه این نظارت در حال

عادی شدن است. منطقی سازی این فرآیند و عقلانی جلوه دادن آن هنوز در مراحل اولیه انجام می شود.

دوم، دامنه اختیارات دولت به احتمال زیاد تغییر خواهد کرد، هرچند پیش بینی جهت این تغییر بسیار دشوار است چرا که این جهت به احتمال زیاد به شدت وابسته به شرایط است. بخشی به پشتیبانی از روش نظام برای توزیع بین ارگان های دولتی و خصوصی خواهد پرداخت. اما ویژگی اصلی قدرت نیز تغییر خواهد کرد. به احتمال زیاد این روند تسریع خواهد شد، چرا که این شرایط در بسیاری از سیستم ها دیده می شود که دیدشان را از نگاه اولیه به دولت به سطوح بالاتری ارتقا داده اند.

بوروکراتیزه کردن همه جنبه های زندگی در واقع نشانگر حرکت قدرت از عناصر سیاسی به عناصر مدیریتی نهادها را نشان می دهد. این بیماری همه گیر نشان داد که دولت و اصول آن اسیر سرپرست، تکنسین، کارشناس حوزه و کسانی است که سیستم هایی را طراحی و راه اندازی می کنند که سیاست را به اجرا پیوند می دهند. کشورهایی که این ارتباط را به نمایش می گذارند به دنبال انجام بهتر امور هستند. کشورهایی که به دنبال سرکوب این مسیر با خفه کردن یا بهم زدن طرفداران تکنوکرات خود هستند، اغلب مورد انتقاد قرار می گیرند و تلاش های آنها تضعیف می شود.

سوم، ماهیت مرزها تغییر خواهد کرد. همانطور پیش از این شرح داده شد، مرزها واقعاً برای کنترل مردم اهمیت بیشتری خواهند داشت. در عین حال، آنها برای سازماندهی فعالیت های اقتصادی اهمیت کمتری خواهند داشت. با این توصیف، ماهیت تداخل برای فعالیت های اقتصادی بستگی به همسویی کشورهای خاص در خوشه ای از کشورهایی دارد که در اطراف یک کشور پیشتاز سازمان یافته اند.

این امر به سازماندهی مجدد بنیادی جهانی منجر خواهد شد. اما این غیرقابل توصیف است. بنابراین، انتظار داشته باشید که این تغییرات بدون اظهار نظر فراوان به شکل مکرر رخ دهند. همچنین انتظار داشته باشید که افراد حاضر در خط مقدم تغییر هرگونه منکر هرگونه فعالیتی در مسیر تغییر چیزی شوند. همچنین انتظار داشته باشید که در نهایت اصول جهانی سازی دوباره تفسیر شود تا از طریق این گفتمان به مشروعیت سازی یک سازمان جهانی در راستای فعالیت های اقتصادی پرداخته شود.

چهارم، افراد معدودی در مورد مؤسسات مالی بین المللی و نقش آنها در جهان پسا کرونا ویروس صحبت می کنند. این حیف است! هرچند این اتفاق تا حد زیادی عقب مانده است &ndash; شاید به عنوان یک مسئله سیاسی، شاید به دلیل اینکه بندهای اداری آنها حرکت های زیرکانه را دشوار می کند &ndash; نقش مؤسسات مالی بین المللی ممکن است تغییر یابد. از سویی، مؤسسات مالی بین المللی عمومی میان مدت ممکن است به ابزاری مفیدی برای اجرای انتظارات جاری برای کنترل جمعیت خود تبدیل شود تا از حداکثر بهره وری (و در نتیجه سهم حداکثر، در کل، به ثروت جمعی) اطمینان حاصل کمک کند.

شرط اعطای وام، کمک فنی و مواردی از این دست، و ابزارهای مدیریت این مؤسسات که دیگر کهنه پنداشته می شوند را می توان برای این اهداف مورد استفاده قرار داد. اما این امر مستلزم اجماع در مورد آنچه که دقیقاً از دولت ها انتظار می رود می باشد. پروژه آخر احتمالاً پنجره ای را برای کنترل جهانی روایت در میان ایالات متحده-چین-اتحادیه اروپا با قدرت های مرتبه دوم فراهم می کند، قدرت هایی که با عصبانیت در حاشیه ها کار می کنند.

پنجم، گفتمان مهاجرت و همچنین مدیریت آن احتمالاً تغییر خواهد کرد. یکی از پیامدهای عجیب این بیماری همه گیر، که بیش از پیش بسیار مورد توجه قرار گرفته است، روشی است که کشورها، بدون مقاومت زیاد، توانستند مرزهای خود را برای حمایت از جمعیت خود بازسازی کنند. اما مرزها ابزاری با کاربردهای فراوان هستند - حتی اگر فقط علیه مردم هدایت شوند.

در حالی که تغییر گفتمان مهاجرت در کوتاه مدت بعید است، ممکن است که مدیریت مهاجرت - به ویژه در جاهایی که می توان آن را به عنوان محصول شرایط فردی، بلکه به عنوان حرکت مردم (حرکت جمعی) در نظر گرفت &ndash; شکل دیگری، و آن هم شکلی سختگیرانه، به خود بگیرد. در عین حال، این جنبش گسترده با توجه به چالش های ملی هر کشور، اشکال گوناگونی به خود خواهد گرفت. جالب تر اینکه میزان مهاجرت در بین کشورهای دارای جمعیت آسیب پذیر به عنوان یک چالش بیشتر از مهاجرت بین مناطق حاشیه ای و "کلان شهرها" خواهد بود.

ششم، ماهیت قدرت پلیس نیز به احتمال زیاد تغییر خواهد کرد. این احتمال وجود دارد که آینده قدرت به همان اندازه توسط مدل های مبتنی بر تجزیه و تحلیل داده ها شکل بگیرد، زیرا این امر با استفاده از اصول و قضاوت انسانی پایه

گذاری می شود. یادگیری و مدل سازی ماشینی، صرف نظر از الگوی سیاسی-اقتصادی یا اخلاقی که دولت ها پیروی می کنند، توانسته پاسخی به شرایط موجود پس از شیوع کروناویروس بدهد. عوامل انسانی از تدوین رویکردهای محافظت از افراد در سازمان های اجتماعی محدود شده است.

یکی با جمعیت "در معرض خطر"، با علم انتقال، و تجزیه و تحلیل پیش بینی صحبت می کند. یکی دیگر با استفاده از تجزیه و تحلیل برای هماهنگی سلامت، پایداری، پیامدهای اقتصادی و سیاسی صحبت می کند. در پایان می توان ظهور مدیریت خودکار را به عنوان پیامد اصلی این بیماری همه گیر در شیوه تصور و مدیریت نظم جهانی دانست. به احتمال زیاد رقابت های قدرت در آینده بین رویکردهای متمایز به تجزیه و تحلیل داده ها و اثربخشی الگوریتم های مورد استفاده برای انگیزه و مجازات خواهد بود نه آنچه در مورد اصول اساسی در حول محور جامعه - حتی جامعه جهانی - قرار دارد.

پیمان یزدانی